

پیش گفتار لنین

انقلاب پرولتری و کائوتسکی مرتد

رساله ی کائوتسکی به نام «دیکتاتوری پرولتاریا» که چندی پیش در وین منتشر شد (ص- ۶۳. Ignaz Brand. ۱۹۱۸. Wien) بارزترین نمونه ی آن ورشکست مطلق و بسیار ننگین انترناسیونال دوم است، که تمام سوسیالیست های شرافتمند همه ی کشورها مدت هاست درباره ی آن سخن می گویند. مسئله ی انقلاب پرولتری اکنون از لحاظ عملی در دستور روز یک سلسله از کشورها قرار می گیرد. بدین سبب تحلیل سفسطه جوئی های مرتدانه کائوتسکی و دست کشیدن کامل وی از مارکسیزم امری ست ضروری.

ولی در آغاز باید خاطر نشان ساخت که نویسنده ی این سطور از همان آغاز جنگ به کرات گسست کائوتسکی را از مارکسیزم متذکر گردیده است. یک سلسله از مقالات سال های ۱۹۱۴-۱۹۱۶ مندرجه در «سوسیال دموکرات» و «کمونیست» منتشره در خارجه بدین مطلب اختصاص داده شده بود. این مقالات در مجموعه ی نشریه ی شورای پتروگراد به قلم گ، زینویف و ن. لنین تحت عنوان «برخلاف جریان»، پتروگراد، سال ۱۹۱۸ (صفحه ۵۵۰) گردآوری شده است. من در رساله ای که در سال ۱۹۱۵ در ژنو منتشر شد و همان زمان به زبان های آلمانی و فرانسه ترجمه گردید، درباره ی «کائوتسکیزم» چنین نوشته بودم:

«کائوتسکی بزرگ ترین اوتوریته انترناسیونال دوم، نمونه ی فوق العاده تبیین برجسته ایست از این که چگونه تصدیق لفظی مارکسیزم در عمل کار را به آن جا

کشانده است که مارکسیزم به «استروویزم» یا به «برنتائیزم» (یعنی آموزش بورژوا-لیبرالی که مبارزه ی «طبقاتی» غیرانقلابی پرولتاریا را تصدیق دارد. این آموزش با وضوح خاصی به توسط استرووه نویسنده ی روس و برنتانو اقتصاد دان آلمانی بیان شده است) تبدیل گردد. ما این موضوع را در نمونه ی پلخائف هم مشاهده می نمایم. به کمک سفسطه های آشکار مارکسیزم را از روح زنده ی انقلابی آن تهی می سازند، همه چیز را در مارکسیزم تصدیق می کنند، به جز طرق انقلابی مبارزه، تبلیغ و تدارک آن و تربیت توده ها در این جهت بخصوص. کائوتسکی از روی بی مسلکی اندیشه ی اصلی سوسیال شوینیزم یعنی تصدیق دفاع از میهن در جنگ کنونی را با گذشت دیپلماتیک و ظاهری نسبت به چپ ها، که به صورت امتناع از رأی به اعتبارات و اپوزیسیون لفظی خود و غیره انجام گرفته است، «آشتی می دهد». کائوتسکی، که در سال ۱۹۰۹ یک کتاب کامل درباره ی نزدیک شدن عصر انقلاب ها و رابطه ی جنگ با انقلاب نوشته بود، کائوتسکی، که در سال ۱۹۱۲ بیانیه ی بال را درباره ی استفاده ی انقلابی از جنگ آینده امضاء کرده بود، اکنون به انحاء مختلف سوسیال شوینیزم را تبرئه می کند و آن را می آراید و مانند پلخائف به بورژوازی می پیوندد تا هر اندیشه ای را درباره ی انقلاب و هر گامی را به سوی مبارزه ی مستقیماً انقلابی، مورد استهزاء قرار دهد.

طبقه ی کارگر، بدون جنگ بی امان علیه این ارتداد، سست عنصری، خوش خدمتی در قبال اپورتونیزم و ابتذال تنوریک بی نظیر مارکسیزم، نمی تواند هدف جهانی-انقلابی خود را عملی سازد. کائوتسکیزم پدیده ی تصادفی نبوده، بلکه محصول اجتماعی تضادهای انترناسیونالیزم دوم است که آمیزه ای از وفاداری لفظی نسبت به مارکسیزم و تبعیت عملی از اپورتونیزم است» (گ. زینوویف و ن. لنین: «سوسیالیزم و جنگ»، ژنو، ۱۹۱۵، ص ۱۳-۱۴).

و اما بعد. من در کتاب: «امپریالیزم به مثابه مرحله ی نوین سرمایه داری^۱ که در سال ۱۹۱۶ به رشته ی تحریر درآمد (در سال ۱۹۱۷ در پتروگراد منتشر شد) کذب تنوریک تمام استدلالات کائوتسکی را درباره ی امپریالیزم مفصلاً مورد تحلیل قرار داده ام. من تعریف کائوتسکی را درباره ی امپریالیزم نقل کردم: «امپریالیزم محصول سرمایه داری صنعتی دارای تکامل عالی ست. امپریالیزم عبارت است از تمایل هر یک از دول سرمایه دار صنعتی به الحاق مناطق زراعتی (تکیه روی کلمه از کائوتسکی است) هر چه بیشتر، یا تابع نمودن آن ها به خود بدون توجه به این که چه ملت هائی در این مناطق سکونت دارند». من نادرستی مطلق این تعریف و «دمسازی» آن با پرده پوشی عمیق ترین تضادهای امپریالیزم و سپس با آشتی با اپورتونیزم را ثابت نمودم. و خود امپریالیزم را چنین تعریف نمودم: «امپریالیزم آن مرحله ای از تکامل سرمایه داریست که در آن انحصارها و سرمایه ی مالی سیادت به دست آورده، صدور سرمایه اهمیت فوق العاده ای کسب نموده، تقسیم جهان از طرف تراست های بین المللی آغاز گردیده و تقسیم تمام اراضی جهان از طرف بزرگ ترین کشورهای سرمایه داری به پایان رسیده است». من نشان دادم که انتقاد کائوتسکی از امپریالیزم حتی از انتقاد بورژوائی و خرده بورژوائی هم پائین تر است.

سرانجام در اوت و سپتامبر سال ۱۹۱۷ یعنی قبل از انقلاب پرولتری در روسیه (۲۵ اکتبر-۷ نوامبر سال ۱۹۱۷) من رساله ی «دولت و انقلاب، آموزش مارکسیزم درباره ی دولت و وظائف پرولتاریا در انقلاب» را نگاشتم که در آغاز سال ۱۹۱۸ در پتروگراد منتشر گردید و در فصل ششم آن تحت عنوان «ابتدال مارکسیزم به توسط اپورتونیزست ها»، توجه خاصی به کائوتسکی معطوف داشتم و ثابت کردم که او آموزش مارکس را کاملاً تحریف و آن را با روح اپورتونیزم دمساز نموده و «در عین قبول انقلاب در گفتار، در کردار از آن دست کشیده است».

^۱ - کتاب و. ای. لنین موسوم به «امپریالیزم به مثابه ی عالی ترین مرحله ی سرمایه داری» نخستین بار تحت عنوان «امپریالیزم به مثابه ی مرحله نوین سرمایه داری» انتشار یافت.

اشتباه اساسی تنوریک کائوتسکی در رساله ی وی راجع به دیکتاتوری پرولتاریا در واقع همان تحریفات اپورتونیستی آموزش مارکس درباره ی دولت است که در رساله ی «دولت و انقلاب» من مفصلاً افشاء گردیده است.

این تذکرات قبلی ضروری بود، زیرا ثابت می کند که من مدت ها قبل از آن که بلشویک ها قدرت دولتی را متصرف شوند و به خاطر این امر از طرف کائوتسکی تقبیح شوند، کائوتسکی را آشکارا به ارتداد متهم نموده ام.

منبع: منتخب آثار نئین صفحه ۶۲۸

بازنویس: اکبر سعیدی

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵